

## نقد و تحلیل مقاله‌های حوزه ادبیات معاصر عربی

(۱۳۸۰-۱۳۹۳)؛ چالش‌ها و چشم‌انداز

یوسف نظری<sup>\*۱</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

### چکیده

از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۳، تعداد ۳۹۲ مقاله علمی - پژوهشی در حوزه ادبیات معاصر عربی، در ۱۳ مجله علمی - پژوهشی ایران منتشر شده‌است. این پژوهش‌ها که از سال ۱۳۸۷ رشد روزافزونی یافته و در سال ۱۳۹۲ به اوج خود رسیده‌اند، حجم قابل توجه‌ای از اطلاعات را شکل می‌دهند. برای بررسی این مقالات، داده‌های لازم از آرشیو الکترونیکی مجلات استخراج شد سپس با نرم‌افزارها و محاسبات آماری پردازش گردید. سپس محورهایی همچون: بیان سهم مجلات در نشر مقالات، نویسندگان فعال حوزه، هم‌نویسندگی، جنسیت و مدارک دانشگاهی نویسندگان، ماده پژوهش‌ها، موضوع مقالات، ادیبانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، و میزان توجه به ادبیات کشورها و دهه‌های تاریخ ادبیات معاصر عربی در پردازش داده‌ها مدنظر قرار گرفت. بررسی هر یک از این مقوله‌ها نتایج خاص خود را به دست داد؛ اما به‌طور کلی این پژوهش نشان می‌دهد که مقالات در خصوص پرداختن به دهه‌های تاریخی، ادبا و موضوعاتی که مورد مطالعه قرار گرفته‌است، دچار ناهمگونی و عدم توازن است. حوزه‌هایی کاملاً نادیده گرفته شده و در مقابل برخی جوانب دچار تکرار مکررات شده‌است. نتایج حاصل از این پژوهش از سویی به توصیف و آسیب‌شناسی وضعیت کنونی، و از سوی دیگر به جهت دهی پژوهش‌های آینده کمک می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** مقالات علمی - پژوهشی؛ ادبیات معاصر عربی؛ علم‌سنجی.

## ۱. مقدمه

ترسیم چشم‌انداز هر حوزه، نیازمند آگاهی از وضع کنونی آن است. هرچه دامنه مطالعات از حجم و گستردگی بیشتری برخوردار باشد، لزوم دقت و بازبینی آنها نیز افزون می‌گردد. بررسی آگاهانه و جامع پیشینه پژوهش، از کارهای پراکنده و ناهمگون، تکرار پژوهش و موازی‌کاری پیشگیری می‌کند. در مقابل می‌تواند حوزه‌هایی که از دید پژوهشگران پنهان مانده را شناسایی کند و سرمایه ارزشمند پژوهش و پژوهشگران را به سمت آن سوق دهد. از دیگر دستاوردهای چنین پژوهشی آسیب‌شناسی کارهای انجام‌شده است. تمام این اهداف تنها با یک پژوهش جامع مبتنی بر تحلیل‌های کمی قابل تحقق است.

ادبیات معاصر عربی یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های مطالعات ادبی محسوب می‌گردد که بازه طولانی سال‌های ۱۷۹۸م تاکنون را شامل می‌شود. در ایران پژوهش در این زمینه پیشینه‌ای نسبتاً طولانی دارد، و از این رو حجم اطلاعات بسیار وسیعی تولید شده است. تنها در ۱۳ مجله علمی - پژوهشی مرتبط با رشته زبان و ادبیات عربی از سال ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۹۳، تعداد ۳۹۲ مقاله علمی - پژوهشی منتشر شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی دقیق و جامع مقالات علمی - پژوهشی که معیاری برتر نسبت به دیگر پژوهش‌ها دارند، دیدی صحیح و کامل از مطالعات صورت‌گرفته ارائه دهد. برای تحقق این هدف محورهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد: (۱) فراوانی سالانه مقالات؛ (۲) سهم مجلات در نشر این مقالات؛ (۳) نویسندگان فعال این حوزه؛ (۴) میزان مشارکت بر اساس جنسیت؛ (۵) میزان مشارکت نویسندگان از مقاطع مختلف دانشگاهی؛ (۶) وضعیت هم‌نویسندگی؛ (۷) حجم ماده پژوهش اعم از شعر یا نثر؛ (۸) بسامد پرداختن به موضوعات کلی و جزئی و سیر توجه به موضوعات در بازه زمانی این پژوهش؛ (۹) بسامد پرداختن به ادبای عرب و ایرانی دوره معاصر (۱۰) سطح توجه به ادبیات کشورهای مختلف عربی؛ (۱۱) میزان توجه به دهه‌های مختلف دوره معاصر عربی و فارسی.

بنابراین پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت است از:

□ وضعیت مقالات علمی - پژوهشی منتشرشده در ایران در حوزه ادبیات معاصر عربی چگونه است؟

□ کدام موضوعات و کدام ادبا بیشترین سهم از مقالات معاصر را به خود اختصاص داده‌است؟ و

چه حوزه‌هایی نادیده گرفته شده‌است؟

گفتنی است هدف از ترسیم نمودار در پژوهش‌های آماری، این است که نتایج به صورت واضح‌تر و با ایجاز هرچه بیشتر ارائه گردد. در همین راستا تلاش شده تا حد امکان از تکرار نتایج به صورت تفصیلی اجتناب شود.

### پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی، مقالات عربی منتشر شده در ایران را از دریچه علم‌سنجی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان مقاله فرامرز میرزایی و دیگران (۱۳۸۷) گزارشی کمی و کیفی از مقالات منتشر شده در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی است که تمرکز خود را بر شماره‌های ۱ تا ۱۰ این مجله قرار داده‌است. علی‌باقر طاهری‌نیا و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهش خود سنجشی کیفی و کمی از تولیدات علمی گروه زبان و ادبیات عربی ایران ارائه می‌دهد که در قالب مقالات علمی پژوهشی در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ صورت پذیرفته‌است. حمید احمدی و دیگران (۱۳۹۲) نیز با استفاده از روش‌های علم‌سنجی به تحلیل و بررسی روابط هم‌نویسندگی و استناددهی نویسندگان در شماره‌های ۱ تا ۲۰ مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی پرداخته‌اند. مرضیه کهن‌دل جهرمی (۱۳۹۳) در پژوهشی که به زبان عربی منتشر نموده‌است موضوعاتی را که در مقاله‌های شماره ۱۱ تا ۳۰ مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی مورد توجه نویسندگان قرار داشته را مورد بررسی قرار داده و نمایه‌ای از مقالات چاپ‌شده ارائه نموده‌است. بنابراین و بنا بر اطلاع نویسنده، پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که به بررسی مقالات علمی - پژوهشی حوزه ادبیات معاصر عربی می‌پردازد که در کشور ایران منتشر شده‌اند. در این مقاله، جامعه آماری از یک‌سو به حوزه ادبیات معاصر عربی محدود شده‌است و از طرف دیگر برای اینکه نتایج دقیقی حاصل شود، آرشیو الکترونیکی کامل تمام مجلاتی که در این حوزه فعالیت دارند مورد بررسی قرار گرفته‌است. بنابراین مقاله حاضر از حیث موضوع، دامنه و روش پژوهش متفاوت از پژوهش‌های قبل است.

## روش پژوهش

تحقیقات علمی بر اساس ماهیت داده‌ها به دو نوع کیفی و کمی تقسیم می‌شوند. پژوهش‌های کمی که بیشتر به مکتب «اثبات‌گرایی» (پوزیتیویسم) مربوط‌اند، به شیوه تجزیه و تحلیل آماری معروف‌اند و مبتنی بر نمادهای ریاضی و تحلیل‌های آماری می‌باشند (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). پژوهش پیش رو از نوع کمی است. در این روش داده‌ها جمع‌آوری گردید و با کمک نرم‌افزار Excel مورد تحلیل و بررسی آماری قرار گرفت. شایان ذکر است از آنجاکه تحقق برخی اهداف مدنظر با نرم‌افزار Spss امکان‌پذیر نبود، و از طرف دیگر نرم‌افزار Excel اهداف مدنظر را با مکانیسم‌هایی روشن‌تر محقق می‌سازد، از نرم‌افزار Spss چندان استفاده نشده‌است.

هر پژوهش آماری یک جامعه آماری یا جمعیت دارد که به مجموعه افراد یا چیزهایی گفته می‌شود که قرار است یک یا چند ویژگی آنها مورد مطالعه قرار گیرد (بهبودیان، ۱۳۸۹: ۱۷). برای یک مطالعه آماری، یکی از روش‌های زیر به کار برده می‌شود: الف: گردآوری داده‌ها از طریق شمارش کامل افراد (سرشماری) ب: گردآوری داده‌ها از طریق نمونه‌گیری (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۷۸). شیوه نخست یعنی مطالعه یک‌یک افراد جمعیت، به علت هزینه زیاد و کمی وقت یا نداشتن امکانات، اغلب مقدور نیست. بنابراین به جای تمام مجموعه، قسمتی از جمعیت طبق قوانین و معیارهایی خاص و تحت عنوان نمونه بررسی می‌شود. اما علی‌رغم مشکلات فراوان، در این مقاله شیوه نخست انتخاب شده‌است چراکه برخی اهدافی که این پژوهش در پی تحقق آن بوده‌است یا با شیوه دوم محقق نمی‌شد و یا اینکه نتایج دقیقی حاصل نمی‌گردید.

جامعه آماری این پژوهش مقالات علمی - پژوهشی‌ای است که تا پایان اسفندماه ۱۳۹۳ در حوزه ادبیات معاصر عربی بر روی سایت مجلات بارگذاری شده‌است. بر همین اساس شاید برخی مجلات در سال ۱۳۹۴ اقدام به نشر مقالاتی با عنوان سال ۱۳۹۳ نموده باشند که در اینجا لحاظ نشده‌اند. البته از آنجاکه شمار چنین مقالاتی بدون شک بسیار انگشت‌شمار خواهد بود، این مسئله خدشه‌ای به نتایج این پژوهش وارد نمی‌سازد. شمار این مقالات ۳۹۲ عدد بوده که از بایگانی الکترونیکی ۱۳ مجله استخراج شده‌است. مجلاتی که مدنظر قرار گرفتند با ذکر اولین شماره و آخرین شماره‌ای که مورد بررسی قرار گرفت، به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: «آفاق الحضارة الإسلامية» از شماره ۱ سال سیزدهم تا شماره

۲ سال شانزدهم. «ادب عرب» از شماره ۲ دوره ۱ تا شماره ۱ دوره ۶. مجله «انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی» از ابتدای سال اول تا شماره ۳۲ سال دهم. «بحوث فی اللغة العربیة و آدابها (پژوهش در زبان عربی)» از شماره ۱ دوره ۱ تا دوره ۶ شماره ۱۰. «پژوهش‌های ادبیات تطبیقی» شماره ۲ دوره ۱ تا شماره ۲ دوره ۲. «جستارهای زبانی» از شماره ۱ دوره ۱ تا شماره ۴ دوره ۴. «زبان پژوهی» از شماره ۱ دوره ۱ تا شماره ۱۳ دوره ۶. «زبان و ادبیات عربی» از شماره ۱ سال اول تا شماره ۱۰ سال پنجم. «کاووشنامه ادبیات تطبیقی» از شماره ۱ دوره ۱ تا شماره ۱۳ دوره ۴. «لسان مبین» از شماره ۳ دوره ۲ تا شماره ۱۷ دوره ۶. «دراسات فی العلوم الإنسانیة» از شماره ۱۲ سال اول تا شماره ۴ سال بیستم. «نشریه ادبیات تطبیقی» از شماره ۱ دوره ۱ تا شماره ۱۰ دوره ۵. «نقد ادب معاصر عربی» از شماره ۱ دوره ۲ تا شماره ۶ دوره ۴.

به منظور تحلیل این حجم قابل توجه از مقالات (۳۹۲ مقاله) از منظرهای مختلف، یک پایگاه داده طراحی شد که ۱۵ مؤلفه را شامل می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: عنوان مقاله، نویسندگان، تعداد نویسندگان، تخصص نویسندگان، مدرک دانشگاهی نویسندگان، جنسیت نویسندگان، ماده پژوهش، موضوع کلی مقاله، موضوعات جزئی مقاله، شخصیت‌هایی که در مقاله بدان‌ها پرداخته شده‌است، ملیت شخصیت‌ها، تاریخ تولد شخصیت‌ها، تاریخ وفات شخصیت‌ها، سال نشر، و درنهایت مجله‌ای که مقاله را منتشر ساخته‌است. تحلیل و بررسی مقالات از منظر مؤلفه‌های مذکور، در قالب محورهایی که در مقدمه بدان اشاره شد صورت پذیرفت.

### چالش‌ها و چشم‌انداز

تردید نیست که پژوهش‌های حوزه زبان و ادبیات غالباً به صورت کیفی است. ماهیت اصلی پژوهش‌های کیفی این است که سیر مطالعاتی آن‌چندان روشن نیست. و این برخلاف پژوهش‌های کمی است که غالباً در علوم پایه و مهندسی صورت می‌پذیرد. برای نمونه یک پژوهشگر به روشنی در نمی‌یابد که مطالعات صورت‌پذیرفته بر ادبیات یک ادیب، چه سیری دارد، و از این‌رو پژوهش جدید می‌بایست چه خط‌مشی‌ای

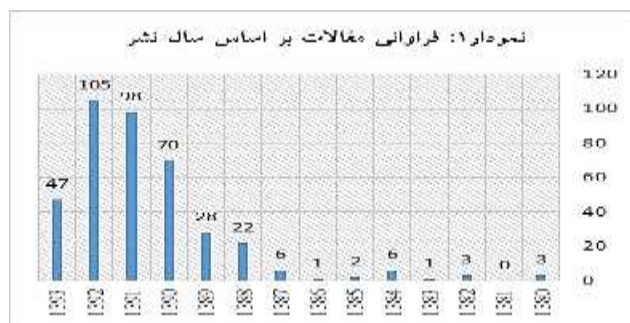
را دنبال کند. حال آنکه مثلاً در علوم مهندسی به وضوح پیداست که مطالعات به کجا رسیده، و چه دستاورد عینی‌ای در پی داشته‌است. همین امر باعث می‌گردد تا پژوهش‌های پراکنده و گاه بسیار نامتوازی صورت پذیرد. برخی حوزه‌ها نادیده بماند و برخی دیگر بارها و بارها، و گاه به صورت موازی مورد مطالعه قرار گیرند. این بزرگ‌ترین چالشی است که این حوزه مطالعاتی با آن روبه‌روست. به همین سبب لازم است تا با رویکردهای کمی به ارزیابی جامع پژوهش‌های کیفی پرداخته شود.

بنابراین پاسخ به پرسش‌های تحقیق - آن هم از خلال محورهایی که در مقدمه بیان شد - از سویی وضعیت کنونی مطالعات و چالش‌های پیش روی آن را نشان می‌دهد، و از سوی دیگر با جهت دادن مطالعات بعدی به حوزه‌های خاص، می‌تواند چشم‌اندازی جدید در این گستره مطالعاتی ترسیم نماید. در همین راستا یکی دیگر از دستاوردهایی که این پژوهش به دست می‌دهد این است که برخی ذهنیت‌های غلطی که نسبت به پژوهش‌های موجود وجود دارد را برطرف می‌سازد.

## یافته‌ها

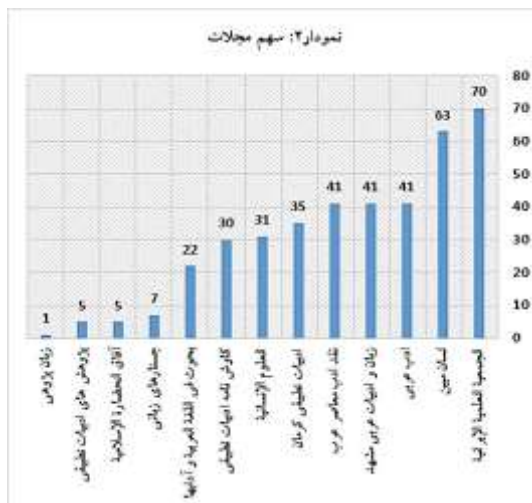
### فراوانی مقالات و سهم مجلات

در مجموع ۳۹۲ مقاله از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۳ در حوزه ادبیات معاصر عربی منتشر شده‌است. رشد صعودی مقالات از سال ۱۳۸۷ آغاز شده‌است و در سال ۱۳۹۲ به اوج خود



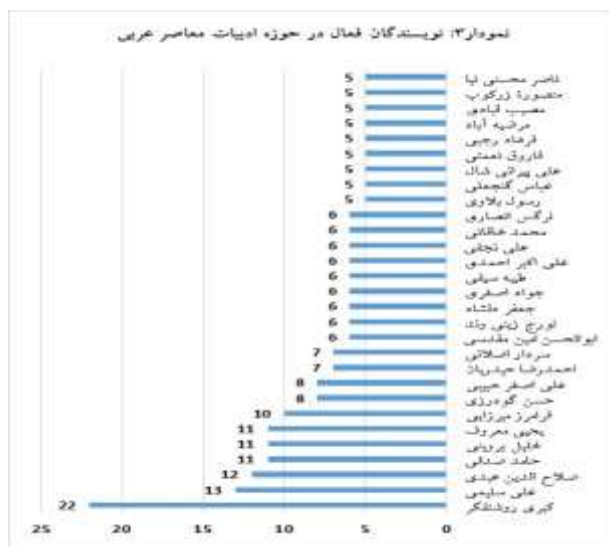
رسیده‌است. البته چنانچه گفته شد مقالات سال ۱۳۹۳ آن دست مقالاتی را شامل می‌شود که تا پایان این سال بر روی سایت مجلات قرار گرفته‌است.

بنابراین از آنجاکه شماری از مقالات این سال در سال ۱۳۹۴ منتشر شده‌است، سیر نزولی که در شمار مقالات این سال دیده می‌شود تا حدودی کم‌تر از واقعیت است (نمودار ۱).



فراوانی این مقالات با توجه به سیزده مجله‌ای که اقدام به نشر آن نموده‌است، بدین گونه است که مجله انجمن عربی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌است. مجلات جستارهای زبانی، آفاق الحضارة الاسلامیة و زبان پژوهشی پس از فعالیتی پراکنده در این حوزه، به سمت اهداف تخصصی خود پیش

رفته‌اند، و بدین منظور از نشر مقالات در زمینه ادبیات معاصر عربی اجتناب نموده‌اند. مجله پژوهش‌های ادبیات تطبیقی از سال ۱۳۹۲ شروع به کار نموده‌است و به همین خاطر سهم چندانی در نشر این مقالات نداشته‌است (نمودار ۲)



### نویسندگان و رابطه هم‌نویسندگی

۴۳۰ نویسنده در نشر این مقالات شرکت داشته‌اند که با احتساب تکرار نام نویسندگان، شمار آنها به ۷۷۹ نویسنده می‌رسد. بنابراین برخی مقالات چند نویسنده دارند. از این میان

نویسندگانی که حداقل در نشر پنج مقاله سهم بوده‌اند در نمودار ۳ نمایه شده‌اند. از این میان ۱۵ نویسنده نیز ۴ مقاله در این حوزه منتشر نموده‌اند. از سوی دیگر ۱۶ نویسنده سه مقاله، ۸۲ نویسنده دو مقاله، و ۲۸۸ نویسنده تنها در نشر یک مقاله سهم بوده‌اند.

بررسی جنسیت نویسندگان حاکی از این است که میزان مشارکت آقایان و تعداد مقالات منتشرشده به وسیله آنها بیش از خانم‌هاست. به طور میانگین هر نویسنده مرد ۱/۹۶ درصد مقاله منتشر نموده‌است در حالی که سهم هر نویسنده زن ۱/۵۲ درصد از مقالاتی است که خانم‌ها منتشر نموده‌اند. در مجموع سهم هر نویسنده از کل مقالات ۱/۸۱ درصد است.

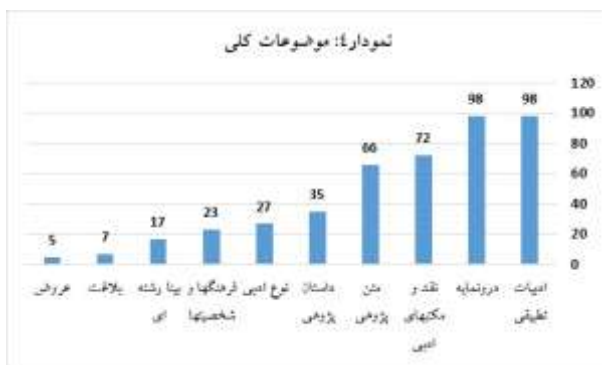
بررسی مدرک دانشگاهی نویسندگان نیز نشان می‌دهد که فراوانی کسانی که فارغ‌التحصیل مقطع دکتری بوده‌اند - اعم از اینکه عضو هیئت علمی باشند یا هنوز به سازمان یا دانشگاه خاصی وابسته نباشند - ۵۵۱ نفر است. دانشجویان دکترای عربی سهم در این مقالات، ۵۹ و دانشجویان کارشناسی ارشد و دانش‌آموختگان این مقطع نیز ۱۴۲ نفر است. ۲۳ نفر از نویسندگان نیز از رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، ادبیات تطبیقی و تاریخ می‌باشند. البته در اینجا تعداد نویسندگان با احتساب تکرار نام آنها یعنی ۷۷۹ نفر مدنظر قرار گرفته‌است تا میزان مشارکت عملی نمایان شود.

هم‌نویسندگی به عنوان رسمی‌ترین جلوه همکاری فکری میان نویسندگان در تولید پژوهش‌های علمی، عبارت است از مشارکت دو یا چند نویسنده در تولید یک اثر که به تولید علمی با کمیت و کیفیت بیشتری نسبت به تولید و انتشار فردی اثر منجر می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۱). در حوزه مورد پژوهش، مقالات با دو نویسنده با تعداد ۲۴۵ مقاله ۶۲ درصد از کل مقالات را به خود اختصاص داده‌است؛ که غالباً با مشارکت استاد و دانشجو نوشته شده‌است. مقالات با چهار نویسنده نیز که کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌است، غالباً مربوط به مقالات مستخرج از رساله دکتری است که نام اساتید راهنما و مشاور و دانشجو در آن آمده‌است. بررسی‌ها نشان دارد، هم‌نویسندگی مقالات از سال ۱۳۹۰ به بعد رشد پرشتابی داشته‌است که این تا حد زیادی متأثر از گسترش روزافزون دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا و همچنین توجه ویژه به مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها است.



### ماده پژوهش و موضوع مقالات

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۶۴ درصد (۲۵۲ مورد) از این مقالات، ماده پژوهش خود را شعر قرار داده‌اند. حدود ۲۹ درصد (۱۱۲ مورد) بر روی داستان، و به ترتیب حدود ۳ درصد (۱۳ مورد) و حدود ۲ درصد (۹ مورد) بر روی نمایشنامه و ادبیات به معنای عام آن، تکیه کرده‌اند. در این میان حدود ۲ درصد (۶ مورد) از مقالات نیز به مباحث نظری نقد ادبی پرداخته‌اند. این خود گواه این است که در این میان اهتمام لازم به نمایشنامه‌ها و مباحث نظری و نقدی صورت نگرفته‌است. از سوی دیگر به منظور بررسی موضوع مقالات از دو معیار موضوع کلی و موضوع جزئی بهره برده شده‌است. موضوعات کلی که ۱۰ مقوله را شامل می‌شوند دربرگیرنده ۴۶ موضوع جزئی است که در زیر فهرست شده‌اند. تعداد بررسی موضوعات جزئی با احتساب تکرار ۴۴۸ مورد است.



#### ادبیات تطبیقی با ۹۸ مورد

شامل: ادبیات تطبیقی فارسی

عربی، عربی فارسی. درونمایه

با ۹۸ مورد شامل: درونمایه کلی،

درونمایه دینی، درونمایه

اجتماعی، درونمایه سیاسی،

درونمایه معرفتی، درونمایه طنز،

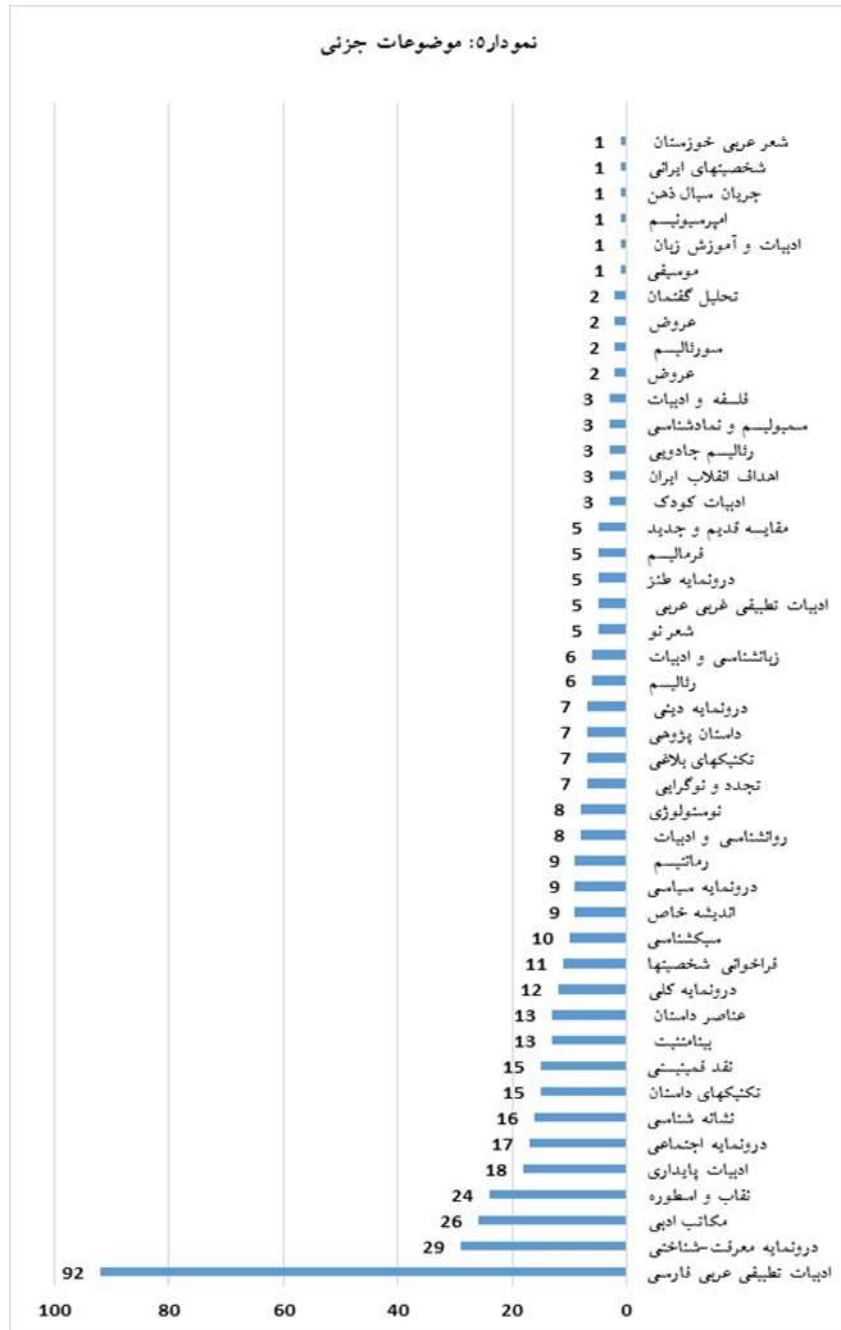
اندیشه خاص، نوستولوژی. نقد و مکتب‌های ادبی با ۷۲ مورد شامل: مکتب ادبی، نقد ادبی، نقد فمینیستی. متن پژوهی با ۶۶ مورد شامل: نشانه‌شناسی، نماد شناسی، تجدد و نوگرایی، سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، بینامتنیت، جریان سیال ذهن. داستان پژوهی با ۳۵ مورد شامل: عناصر داستان، تکنیک‌های داستان، روایت شناسی، داستان‌پردازی. نوع ادبی با ۲۷ مورد شامل: ادبیات پایداری، ادبیات کودک، شعر نو، شعر عربی خوزستان. فرهنگ‌ها و شخصیت‌ها با ۲۳ مورد شامل: فراخوانی شخصیت‌های کهن، انقلاب ایران،

شخصیت‌های ایرانی، مقایسه شخصیت‌های قدیم و جدید. **بینارشته‌ای با ۱۷ مورد شامل:** آموزش زبان و ادبیات، فلسفه و ادبیات، روانشناسی و ادبیات، زبانشناسی و ادبیات. **بلاغت با ۷ مورد شامل:** مباحث بلاغی. **عروض با ۵ مورد شامل:** عروض و موسیقی شعر (نمودار ۴)

شایان ذکر است مقصود از «درونی‌مایه معرفتی» موضوعاتی از قبیل پرداختن به مرگ و زندگی، آرمان‌شهر، شهادت، ارزش‌های اخلاقی و موارد مشابه است. مقصود از فراخوانی (استدعاء) شخصیت‌های کهن نیز بررسی بازخوانی شخصیت‌های قدیمی اعم از پیامبران و... در ادبیات معاصر است. و از آنجاکه این فراخوانی لزوماً نمادگرایانه نیست، در زیرمجموعه نمادشناسی قرار نگرفته است. در این میان، موضوعات حوزه ادبیات تطبیقی و بررسی درون‌مایه‌های آثار ادبی، در رأس پژوهش‌ها قرار دارد. اما از سوی دیگر به مطالعات بینارشته‌ای که از اهمیت بالایی برخوردار است، عنایت کافی نشده است.

در نمودار ۵ میزان توجه به موضوعات جزئی را می‌توان به تفکیک دید. با بررسی این نمودار می‌توان حوزه‌هایی را که از دید پژوهشگران پنهان مانده، و یا کمتر بدان پرداخته شده را شناسایی کرد و جهت پژوهش‌های تکراری را به سمت حوزه‌های جدید هدایت نمود. برای نمونه اگرچه مقاله‌های حوزه ادبیات پایداری قابل توجه است (۱۸ مورد)، اما پژوهش‌هایی که میان این حوزه و اهداف انقلاب اسلامی ایران گره زده باشد، تنها به سه مورد محدود است. این در حالی است که فضای برخی کشورهای عربی و آرمان‌خواهی آنان، در ادبیات معاصر تبلور یافته و می‌تواند با جلوه‌های پایداری ادبیات انقلاب اسلامی و اهداف آن گره بخورد.

چنانچه در این نمودار دیده می‌شود، پژوهش‌های حوزه ادبیات تطبیقی عربی - فارسی، حجم بسیار وسیعی را به نسبت به دیگر پژوهش‌ها به خود اختصاص داده است. بنابراین گرایش اول مربوط به حوزه ادبیات، و آن هم ادبیات عربی و فارسی بوده است. از طرف دیگر پژوهش‌های بینارشته‌ای هنوز جایگاه مطلوبی ندارد. کما اینکه پژوهش‌های مربوط به شعر، با اختلاف بسیار زیادی از مطالعات ادبیات داستانی و نمایشی پیشی گرفته است. این در حالی است که داستان در ادبیات معاصر عربی، بازویی بسیار توانمند برای بیان افکار بوده است، و ای چه بسا جامعه مطالعاتی گسترده‌تری را به خود اختصاص داده است.



## ادبای بررسی شده



بررسی ملیت ادبایی  
که مورد بررسی قرار  
گرفته‌اند، نشان  
می‌دهد که چه میزان  
به ادبیات کشورهای  
مختلف عربی توجه

شده‌است. البته در این میان ۱۴ مقاله به موضوعاتی کلی پرداخته‌اند، بی‌آنکه ادبیات یا شخصیت به خصوصی را مورد بررسی قرار داده باشند. از سوی دیگر ممکن است در لابلای این مقالات اشاراتی به برخی ادبای کشورها شده باشد که در اینجا مدنظر قرار نگرفته‌است. ملاک در اینجا مقالاتی بوده که به صراحت به ادبیات یک کشور پرداخته‌است. چنانچه در نمودار ۶ دیده می‌شود از ۲۳ کشوری که زبان رسمی آنها عربی است، ادبیات ۱۲ کشور مورد توجه قرار گرفته که البته مطالعات هفت کشور تنها به ۱۵ مقاله محدود می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در خصوص ادبیات کشورها نیز توازن وجود ندارد.

در این پژوهش‌ها، آثار ادبی ۱۸۰ ادیب اعم از شاعر و نویسنده از سه فرهنگ ایرانی، عربی و غربی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. ادبایی که از کشورهای عربی انتخاب شده‌اند، ۱۲۰ نفر هستند. در نمودار ۷ افرادی که حداقل سه پژوهش در مورد آنها صورت پذیرفته‌است نشان داده شده‌است. چنانچه دیده می‌شود سیاب، بیاتی، نجیب محفوظ، صلاح عبدالصبور و نازک الملائکه بیشترین توجه را به خود جلب نموده‌اند. تعداد پژوهش‌ها در مورد این افراد ۸۳ مورد است درحالی‌که ۸۶ ادیب تنها یک پژوهش (۱۹ مورد)، و یا دو پژوهش (۶۷ مورد)، را به خود اختصاص داده‌اند. و این نشان‌دهنده عدم توازن پژوهش‌ها در مورد ادیبان این دوره است.



در این میان ادبای بسیار برجسته‌ای وجود دارند که برخلاف آنچه تصور می‌شد، چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. برای نمونه ادبای ذیل تنها در یک پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند: طه حسین، منفلوطی، یوسف ادیس، کامل کیلانی، فوزی معلوف، عمر ابو ریشه، الطیب صالح، صادق الرافی، خلیل مطران، بهاء طاهر. این در حالی است که تعداد قابل توجهی نیز صرفاً در دو پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در این میان باید به این نکته نیز توجه شود که ادبای بسیاری در دوره معاصر وجود دارند که اصلاً مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. مقایسه این نتایج از سویی با پیش‌فرض ذهنی پژوهشگران و از سویی دیگر با شخصیت‌هایی که بارها مورد



روی ادبای در گذشته انجام گرفته، کمتر است؛ اما با این حال حجم قابل توجه و فزاینده‌ای از پژوهش‌ها به مطالعه ادبیات حاضر سوق یافته‌است. شایان ذکر است در میان ادبایی که مورد پژوهش قرار گرفته‌اند شخصیت‌هایی عربی و ایرانی وجود دارند که متعلق به برهه‌های پیش از دوره معاصر می‌باشند. ادبیات این شخصیت‌ها غالباً از باب موازنه یا تطبیق مورد توجه قرار گرفته‌است. از سوی دیگر تعداد معدودی ادیب و اندیشمند غربی نیز محور پژوهش‌ها قرار دارد.

### توجه به دهه‌های تاریخ ادبیات

شروع ادبیات معاصر عربی را سال ۱۷۹۸ میلادی و با حمله ناپلئون به مصر می‌دانند. قدیمی‌ترین ادیبی که در این مقالات مورد مطالعه قرار گرفته‌است، ناصیف الیازجی متوفای سال ۱۸۷۱م است. به همین منظور برای بررسی وضعیت توجه به ادبیات دوره‌های مختلف تاریخ ادبیات معاصر عربی، برهه‌های تاریخی از سال ۱۸۷۰ تا سال کنونی به صورت دهه تقسیم‌بندی شد و سپس ادبا با توجه به سال وفاتشان در این بازه دسته‌بندی شدند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد، توجه به ادبای دهه اخیر و ادبای زنده رشد قابل توجهی یافته‌است. در مقابل بررسی ادیبانی که از دوره‌های مختلف ادبیات معاصر فارسی انتخاب شده‌اند گواه این است که توجه اصلی بر روی دهه نود قرن گذشته است و از طرف دیگر توجه به ادبای قرن بیست و یک و ادبای زنده کاهش قابل توجهی داشته‌است. البته باید توجه داشت که تاریخ ادبیات معاصر فارسی از سال ۱۷۹۸ شروع نمی‌شود، و در نمودار، هدف نشان دادن میزان توجه به برهه‌های ادبیات معاصر فارسی است. مقایسه میزان توجه به دو برهه



تاریخ ادبیات فارسی و عربی را به صورت مقایسه‌ای می‌توان در نمودار ۱۱ مشاهده نمود.

## نتیجه گیری

با توجه به اهداف و محورهای پژوهش که در مقدمه بیان گردید مهم ترین نتایج عبارت‌اند از: فراوانی سالانه مقالات: در مجموع ۳۹۲ مقاله از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۳ در حوزه ادبیات معاصر عربی منتشر شده است. رشد صعودی مقالات از سال ۱۳۸۷ آغاز شده است و در سال ۱۳۹۲ به اوج خود رسیده است.

**سهم مجلات در نشر این مقالات:** ۱۳ مجله در نشر این مقالات مشارکت داشته‌اند که مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی و لسان مبین به ترتیب بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. **نویسندگان فعال این حوزه:** ۴۳۰ نویسنده به نشر این مقالات اهتمام ورزیده‌اند که با احتساب تکرار نام نویسندگان شمار آنها به ۷۷۹ نویسنده می‌رسد. خانم دکتر کبری روشنفکر با ۲۲ مقاله بیشترین فعالیت را داشته است. ضمناً از ۴۳۰ نویسنده ۲۸۸ نفر که غالباً دانشجویان هستند تنها در نشر یک مقاله سهیم بوده‌اند و نمی‌توان ایشان را از متخصصان این حوزه دانست.

**میزان مشارکت بر اساس جنسیت:** میزان مشارکت آقایان و تعداد مقالات منتشر شده آنها بیش از خانم‌ها است. به طور میانگین هر نویسنده مرد ۱/۹۶ درصد مقاله منتشر نموده است در حالی که سهم هر نویسنده زن ۱/۵۲ درصد از مقالاتی است که خانم‌ها منتشر نموده‌اند. و در مجموع سهم هر نویسنده از کل مقالات ۱/۸۱ درصد است.

**میزان مشارکت از مقاطع مختلف دانشگاهی:** ۵۵۱ نفر از نویسندگان دارای مدرک دکتری، ۵۹ نفر دانشجوی دکتری عربی، ۱۴۲ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و دانش‌آموختگان این مقطع می‌باشند و ۲۳ نفر نیز از دیگر رشته‌ها در این زمینه فعالیت داشته‌اند.

**وضعیت هم‌نویسندگی:** از سال ۱۳۹۰ به بعد توجه خاصی به هم‌نویسندگی شده است که غالباً متأثر از استخراج مقاله از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها است. مقالات با دو نویسنده با تعداد ۲۴۵ مقاله ۶۲ درصد از کل مقالات را به خود اختصاص داده است که غالباً با مشارکت استاد و دانشجو نوشته شده است.

**حجم ماده پژوهش اعم از شعر یا نثر:** ۶۴ درصد از این مقالات ماده پژوهش خود را شعر قرار داده‌اند و ۳۶ درصد باقیمانده پژوهش خود را بر روی نثر و مباحث نظری انجام داده‌اند. در این میان در مقایسه با شعر توجه چندانی به ادبیات داستانی و نمایشی نشده است.



**بسامد پرداختن به موضوعات کلی و جزئی:** حوزه ادبیات تطبیقی و بررسی درون‌مایه‌های آثار ادبی با هر کدام ۹۸ مورد در رأس پژوهش‌ها قرار دارد. در این میان ادبیات تطبیقی فارسی و عربی با ۹۲ مورد پژوهش، حجم اصلی را به خود اختصاص داده‌است. اما از سوی دیگر مطالعات بینارشته‌ای و همچنین مطالعات مرتبط با فضاهاى فرهنگى، اجتماعى و سیاسى که با زندگى کنونى جامعه ایرانى و عربى ارتباط تنگاتنگى دارد، چندان مورد اهتمام قرار نگرفته‌است. در همین راستا کارکرد ادبیات در تعامل واقعی جوامع عربی و جامعه ایرانی تقریباً به طور کامل نادیده گرفته شده‌است، و پژوهش‌ها غالباً رویکرد ادبی و یا زبانی نسبتاً محض به خود گرفته‌است.

**بسامد پرداختن به ادبای عرب و ایرانی دوره معاصر:** ۱۸۰ ادیب اعم از شاعر و نویسنده از سه فرهنگ ایرانی، عربی و غربی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. این عدد شامل ۱۲۵ ادیب از کشورهای عربی و ۵۱ ادیب ایرانی و ۴ مورد ادبای غربی است. البته در این میان ۴ مورد از ادبای قدیم عربی و عمود ادبای قدیم فارسی، پیش از دوره معاصر می‌باشند. بدر شاکر السیاب در عربی با ۲۸ مورد پژوهش، و سهراب سپهری با ۱۱ مورد پژوهش، در رأس توجه پژوهشگران قرار دارند. بررسی‌ها همچنین نشان دارد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از ادبای برجسته عربی و ایرانی در مطالعات موردبررسی قرار نگرفته‌اند، و یا چهره‌هایی همچون طه حسین در میان این حجم از مقاله‌های علمی پژوهشی تنها یک مقاله مستقل را به خود اختصاص داده‌است. اما از سوی دیگر تحت تأثیر فضاهاى گذرایى که بر مطالعات سایه می‌افکنند و به گونه‌ای باب می‌شوند، برخی ادبا در پژوهش‌هایی گاه کاملاً هم‌تراز و موازی موردبررسی قرار گرفته‌اند.

**سطح توجه به ادبیات کشورهای مختلف عربی:** از ۲۳ کشور که زبان رسمی آن‌ها عربی است، به ادبیات ۱۲ کشور پرداخته شده که البته مطالعات هفت کشور تنها به ۱۵ مقاله محدود می‌شود. مصر، عراق و لبنان سه کشور نخستى هستند که موردتوجه پژوهشگران قرار داشته‌اند. از سوی دیگر بررسی این مسئله نشان می‌دهد که مطالعات حوزه ادبیات معاصر عربی در ایران همزمان با تحولات اجتماعى فرهنگى و

سیاسی رخ داده در این کشورها و کشور ایران صورت نمی‌گیرد و تقریباً در بیشتر موارد نگاه رو به عقب دارد و در آینه ادبیات به دنبال تصویر تحولاتی است که غالباً صبغه تاریخی یافته‌اند.

**میزان توجه به دهه‌های مختلف دوره معاصر عربی و فارسی:** در هر دو حوزه ادبیات معاصر عربی و فارسی توجه به ادبای درگذشته سهم بیشتری را به خود اختصاص داد است از همین رو در عربی ۷۸ درصد و در فارسی ۳۴ درصد ادبای مورد پژوهش از دنیا رفته‌اند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که توجه به ادبای دهه اخیر و ادبای زنده رشد قابل توجهی یافته‌است. در مقابل بررسی ادیبانی که از دوره‌های مختلف ادبیات معاصر فارسی انتخاب شده‌اند، گواه این است که توجه اصلی بر روی دهه نود قرن گذشته است. از طرف دیگر توجه به ادبای قرن بیست و یک و ادبای زنده کاهش قابل توجهی داشته‌است.

به‌طور کلی این پژوهش نشان می‌دهد که مقالات در خصوص پرداختن به دهه‌های تاریخی، ادبا و موضوعاتی که مورد مطالعه قرار گرفته‌است دچار ناهمگونی و عدم توازن است. حوزه‌هایی کاملاً نادیده گرفته شده و در مقابل برخی جوانب دچار تکرار مکررات شده‌است. نتایج حاصل از این پژوهش آماری به صورت کاملاً علمی و به دور از سلاقی و پیش‌فرض‌های ذهنی، سیمای واقعی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه ادبیات معاصر عربی را نشان می‌دهد. این نتایج می‌تواند با جهت‌دهی آگاهانه مطالعات و پژوهش‌های بعدی، چشم‌اندازی هدفمندتر را در این حوزه مطالعاتی ترسیم نماید.

## کتابنامه

### فارسی

- بهبودیان، جواد، (۱۳۸۹)، *آمار و احتمال مقدماتی*، چ ۳۶، مشهد: آستان قدس رضوی.  
 سرمد، زهره. عباس بازرگان، الهه حجازی، (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چ ۲، تهران: آگه

## مجلات

احمدی، حمید. علی سلیمی، لادن فتیحی، (۱۳۹۲)، «تحلیل استنادی و روابط هم‌نویسندگی مقاله‌های مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی مورد مطالعه: شماره ۲۰ تا ۲۰»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، تهران: شماره ۲۹، صص ۱۷۰-۱۴۹.

رضی، احمد، (۱۳۸۶)، «روش در تحقیقات ادبی»، *گوهر گویا*، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۲۹.  
طاهری‌نیا، علی باقر. مریم بخش‌ی، (۱۳۸۸)، «سنجش تولیدات علمی گروه زبان و ادبیات عربی ایران مقالات علمی پژوهشی از سال ۱۳۸۶-۱۳۸۲»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، تهران: شماره ۱۳، صص ۱۲۸-۱۰۳.

عسکری، صادق، (۱۳۹۱)، «نقد و بررسی منابع استنادی در مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی»، *ادب عربی*، شماره ۱، صص ۱۷۴-۱۵۳.

کهندل جهرمی، مرضیه، (۱۳۹۳)، «الکشاف التحلیلی لموضوعات مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية و آدابها أعداد ۱۱-۳۰»، *مجله الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية و آدابها*، طهران، العدد ۳۱، صص ۱۳۹-۱۵۵.  
میرزایی، فرامرز. خلیل پروینی، علی سلیمی، (۱۳۸۷)، «تحلیلی گزارش‌گونه از مقالات چاپ‌شده مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی (شماره یک تا ده)»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۱۰، صص ۱۸۰-۱۶۵.

## دراسة المقالات العلمية المحكمة المنشورة داخل إيران في مجال الأدب العربي المعاصر (١٤٢٢هـ/٢٠٠١م - ١٤٣٦هـ/٢٠١٤م)؛ التحديات و الآفاق

يوسف نظري<sup>\*١</sup>

استاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة شيراز

### الملخص

لقد قامت ١٣ مجلة علمية محكمة إيرانية بنشر ٣٩٢ بحثاً في مجال الأدب العربي المعاصر منذ عام ١٤٢٢هـ/٢٠٠١م حتى نهاية عام ١٤٣٦هـ/٢٠١٤م. هذه البحوث التي بدأت تتزايد منذ عام ١٤٢٩هـ/٢٠٠٨م وقد وصلت إلى ذروتها عام ١٤٣٥هـ/٢٠١٤م، تقدم حجماً كبيراً من المعلومات. اهتم هذا البحث باستخراج هذه المعطيات من أرشيف المجلات الإلكترونية ثم قام بدراستها مستخدماً البرامج الإحصائية عبر مؤشرات عدة منها: بيان حصة المجلات في نشر المقالات، والكتاب الناشطين في هذا المجال وجنسهم وشهاداتهم الجامعية، ومشاركة الكتاب في نشر البحوث، ومواد البحث، والموضوعات المطروقة، ومدى الاهتمام بأدب البلدان العربية المختلفة، و العناية بأدب الأطوار التاريخية الأدبية. دراسة كل من هذه المحاور أدت إلى نتائج خاصة بما والمستنبط من هذه الدراسة بصورة عامة هو أن هذه البحوث غير متوازنة في خصوص التعرّج على الأطوار التاريخية الأدبية والأدباء و الموضوعات. إذن كثرت الدراسات في مجالات معدودة بينما بقيت مجالات مغفول عنها. إنّ النتائج التي توصلت إليها هذه الدراسة، تصف الظروف الراهنة من جانب آخر تساعد على توجيه الدراسات المقبلة وإعدادها.

**الكلمات الرئيسية:** المقالات العلمية المحكمة؛ الأدب العربي المعاصر؛ تقييم الإنتاج العلمي.